

رابطه ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت با تعقل

محبوبه شاهسوار^۱، جعفر هوشیاری^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت با تعقل به روش توصیفی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان و مردان بالای ۱۸ سال شهر قم بود که تعداد ۱۹۰ نفر از ایشان بر اساس قانون تاباچنیک و فیدل به روش نمونه‌گیری گلوله برفی برای ورود به پژوهش انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه‌های عقلانیت میردریکوندی و شخصیت نئو جمع‌آوری و داده‌ها با روش‌های ضریب همبستگی و رگرسیون گام به گام و آزمون T مستقل تحلیل شد. نتایج نشان داد که برخی ویژگی‌های شخصیتی مثل باوجدان بودن، برون‌گرایی، توافق‌پذیری و تجربه‌پذیری با تعقل رابطه مثبت و معنادار داشته و رابطه ویژگی روان‌رنجوری با آن منفی و معنادار بود. همچنین برخی ویژگی‌های شخصیتی با جنسیت رابطه داشت؛ از جمله روان‌رنجوری در زنان بیشتر از مردان و برون‌گرایی و باوجدان بودن در مردان بیشتر از زنان بود. در ویژگی تجربه‌پذیری و توافق‌پذیری، تفاوتی بین گروه مردان و زنان مشاهده نشد. همچنین، نتایج نشان‌دهنده رابطه معنادار جنسیت با نمره کل تعقل بود که میزان تعقل در مردان بیش از زنان بود. بین مؤلفه‌های تعقل، ارتباط فرد با خدا و ارتباط فرد با دین و مذهب، تفاوتی بین مردان و زنان مشاهده نشد. بیش‌بینی تعقل آزمودنی‌ها بر اساس عوامل ویژگی‌های شخصیت و جنسیت، فقط در مورد باوجدان بودن، روان‌رنجوری، توافق‌پذیری و برون‌گرایی معنادار بود. این متغیرها در مجموع ۶۷/۲٪ از تعقل آزمودنی‌ها را پیش‌بینی نمود.

واژگان کلیدی: خردورزی، ویژگی‌های شخصیتی، جنسیت، زنان و مردان،

روان‌شناسی اسلامی.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱
۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا، دانشکده هدی، قم، ایران.

Email: shahsavar@yahoo.com

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی- اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: J.houshyari@yahoo.com

The Relationship of Personal Traits and Gender with Rationality

Mahboubeh Shahsavar¹, Jafar Houshyari²

This descriptive-correlational study was conducted with the aim of investigating the relationship of personal traits and gender with rationality. The population included all women and men aged over 18 years in the city of Qom and 190 people were selected by the snowball sampling based on Tabachnic's and Fidell's formula. The data were collected by the Mirderikvandi's rationality questionnaire and NEO personality inventory, and were analyzed by the correlation coefficient, stepwise regression, and t-test. The results showed that there is a meaningful and positive relationship between some personal traits, such as conscientiousness, extraversion, agreeableness, and openness to experience, and rationality, and a meaningful and negative relationship between neuroticism and rationality. In addition, some personal traits have a relationship with gender: women's neuroticism is more than men's, and men's extraversion and conscientiousness is more than women's. There is no difference between men and women in terms of openness to experience and agreeableness. According to the results, there is a meaningful relationship between gender and the total score of rationality in which men's rationality is more than women's. There is no difference between men and women in the case of rationality aspects, including the relationship with God and the relationship with religion. Predicting participants' rationality on the basis of personal traits and gender is just meaningful to conscientiousness, neuroticism, agreeableness, and extraversion. In total, these variables predict 67.2% of participants' rationality.

Keywords: rationality, personal traits, gender, women and men, Islamic psychology.

Paper Type: Research

Data Received: 2020/ 12/ 30

Data Revised: 2021/ 02/ 04

Data Accepted: 2021/ 02/ 09

1. P.M.A. Student in Islamic Psychology in the Field of Positive Psychology, Hoda University, Qom, Iran.

Email: shahsavar@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Higher Education Complex of Human-Islamic Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: j.houshyari@yahoo.com

۱. مقدمه

انسان از دیرباز نسبت به نمونه‌های رفتاری درونی و بیرونی خود کنجکاو بوده و آنها را بررسی کرده است. تاریخ علم و فلسفه سرشار از چرایی‌ها و چگونگی‌های پدیدایی حالات نفسانی و درونی آدمی است. (احدی و بنی‌جمالی، ۱۳۹۷) بدون تردید، اندیشه‌ورزی و تفکر یکی از ویژگی‌های ذاتی و فطری همه انسان‌های برخوردار از عقل‌گریزی اولیه (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹) و عقل، نقطه مشترک تمام انسان‌هاست. از این رو، ترازوی پذیرفته شده جامعه بشری و زبان مشترک بین آنهاست. قرآن کریم (رک، بقره: ۱۴۴، ۱۶۴؛ مؤمنون: ۸۰؛ رعد: ۱-۴؛ جاثیه: ۵) نیز در همه مراحل با استفاده از همین روش منطقی، مخاطبین خود را به تعقل و خردورزی دعوت می‌کند (غفاری ساروی، ۱۳۸۲). عقل و خرد از نظر اسلام، معیار ارزش و مراتب کمال او، ملاک ارزشیابی اعمال، میزان جزا و حجت باطنی و در یک کلام اصل انسان است (محمدی ری‌شهری، برنجکار، مسعودی و مهریزی، ۱۳۷۸). اگر عقل نیرومند باشد، زمام انسان را در اختیار می‌گیرد و براساس مصالح واقعی آن را اداره می‌کند؛ چنین فردی سعادتمند و از برکات عقل خود بهره‌مند خواهد شد (حیدری، ۱۳۹۵).

عقل یا خرد، کمالی است که انسان با داشتن آن قادر به فهم اموری می‌شود که به آنها معقولات می‌گویند. (جهان‌بین، ۱۳۸۵) در اسلام، عقل جایگاه ویژه‌ای دارد به‌گونه‌ای که در کنار وحی به عنوان یکی از دلایل و حجت‌ها شمرده شده است. در آموزه‌های اسلامی، عقل حجت درونی (رک، طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق) و نخستین آفریده خدا توصیف و برای آن ویژگی‌هایی بیان شده است از جمله اینکه وسیله درک علل امور و فهم و درک خوبی و بدی، ملکه و حالتی در روح که خواستار انتخاب خیر و فایده است و از شر و مضرات دوری می‌کند و قدرتی است که مردم از آن برای انجام امور ممدوح و بازدارندگی از امور مذموم استفاده می‌کنند (رک، صدوق، ۱۳۷۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱/۲۵؛ نهج‌البلاغه، ۱۳۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۲ هـ.ق). عقل و خردمندی در اسلام یک فضیلت است (رک، محمدی ری‌شهری، و همکاران، ۱۳۸۷/۱، ۵۶). در منابع اسلامی برای افراد خردمند ویژگی‌هایی مانند شناخت خدا (رک، محمدی ری‌شهری، و همکاران، ۱۳۸۷/۱، ۸۰)، حق‌پذیری و حق‌شناسی (رک، محمدی ری‌شهری، و همکاران، ۱۳۸۷/۱، ۲۰۷)، عبرت‌گیری (رک، آمدی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱/۹۷)، تجربه‌اندوزی، دوراندیشی (رک، آمدی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱/۱۵۶)، بردباری و خطابخشی

(رک.، آمدی، ۱۴۱۰ ه.ق. ۱۳۹/۱۰۰)، کنترل هیجان‌ات منفی (رک.، محمدی ری شهری، ۱۳۸۷/۱۰، ۱۷۸)، سخاوت (رک.، محمدی ری شهری، ۱۳۸۷/۱۰، ۱۴۳) و بسیاری از خصوصیات مثبت دیگر ذکر شده است (شاهسوار و کجویی، ۱۳۹۸). عقل، گران بهاترین ثروت، بهترین دوست و راهنما و اصلی ترین تکیه‌گاه اهل ایمان است (محمدی ری شهری، ۰۰ و همکاران، ۱۳۷۸).

با روی کار آمدن جنبش روان‌شناسی مثبت‌نگر در سال ۱۹۹۹، توجهات به سمت مفهوم خرد بیشتر شد. هر چند قبل از آن هم رویکردهایی به خردمندی وجود داشت. برای نمونه در روان‌شناسی تحولی، اریک اریکسون^۱ خردمندی را مرحله آخر تحول شخصیت می‌داند و ژان پیاژه^۲ خردمندی را محصول مرحله آخر تحول شناختی به حساب آورده است. (تیبیک و زندی، ۱۳۹۷) هیلگارد و اتکینسون^۳ عقل را مانند هوش، یک قوه ذهنی بنیادی می‌دانند که کار آن قضاوت و انطباق با اوضاع است. بینه و سیمون^۴ عقل را نوعی استعداد می‌دانند که ویژگی آن، خوب قضاوت کردن، خوب درک کردن، خوب استدلال کردن و انطباق با موقعیت‌های مختلف است. گراث و مارنات^۵ هوش و عقل سلیم و شعور عملی را به یک معنا می‌گیرند و رابرت استرنبرگ^۶ عقل را نیروی شناختی تحلیلی به شمار می‌آورد (میردریگوندی، ۱۳۹۵). هر دو رویکرد اسلامی و روان‌شناختی در مورد عقل و خرد معتقد هستند که تعقل، نیرویی غیرثابت است که متغیرها و عوامل بسیاری همچون ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت در تقویت و تضعیف آن نقش دارند.

شخصیت، الگوهای متمایز و اختصاصی تفکر و هیجان و رفتار هر آدمی است که شیوه و سبک تعامل او را با محیط‌های فیزیکی و اجتماعی می‌سازد. (اتکینسون، ۱۳۹۸) بر اساس رویکرد صفات شخصیت را می‌توان به صورت مجموعه ویژگی‌های بادوام و منحصر به فرد که ممکن است در موقعیت‌های مختلف تغییر کند، تعریف کرد (شولتز و شولتز، ۱۳۹۸). واژه شخصیت در زبان عرف معناهای گوناگونی دارد؛ گاهی به ویژگی‌های اجتماعی فرد گفته می‌شود و گاهی

-
1. Erik Erickson
 2. Jean Piaget
 3. Hilgard & Atkinson
 4. Binet & Simon
 5. Groth & Marnat
 6. Strenberg

از آن، ویژگی‌های فردی و شخصی برداشت می‌شود. آلپورت^۱ در تعریف شخصیت می‌گوید: «شخصیت، سازمان پویایی از سیستم‌های روان‌تنی فرد است که رفتارها و افکار ویژه او را تعیین می‌کند». ریموند کتل^۲ می‌گوید: «شخصیت امکان پیش‌بینی آنچه را که فرد در موقعیتی ویژه انجام خواهد داد، فراهم می‌کند». کارل راجرز^۳ شخصیت را یک خویشتن سازمان‌یافته پیوسته می‌داند که همه تجربه‌های وجودی ماست (حفانی، ۱۳۹۵). با وجود تفاوت‌هایی که در شخصیت افراد به چشم می‌خورد به نظر می‌رسد سبک‌های شخصیتی متفاوت، سطوح متفاوتی از تعقل را تجربه خواهند کرد و بین میزان تعقل افراد و ویژگی‌های شخصیتی آنان رابطه وجود دارد.

یکی دیگر از متغیرهایی که بر اساس مبانی نظری به نظر می‌رسد با تعقل و خردورزی رابطه داشته باشد، جنسیت است؛ مراد از جنسیت در معنای لغوی حالت و کیفیت جنس است. جنسیت موجب می‌شود که زن و مرد تحت دو صنف از یک نوع واحد قرار گیرند. بر اساس یکی از باورهای رایج درباره مفهوم جنسیت و جنس، واژه جنس به معنی تفاوت‌های زیست‌شناختی، کالبدشناختی و فیزیکی بین بدن مذکر و مؤنث است در حالی که جنسیت به تفاوت‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان مربوط می‌شود. (احمدی، ۱۳۹۳) در پژوهش حاضر مقصود از جنسیت، مذکر و مؤنث بودن است که از طریق زنان و مردان بررسی می‌شود. رابطه جنسیت و تعقل همیشه مطرح بوده است. زنان و مردان از نظر جسمی، روانی و شخصیتی، تفاوت‌ها و اشتراکاتی دارند. این دو جنس با وجود تفاوت‌ها در حوزه معارف دین، خطاب‌های مشترک زیادی دارند و آثار مشترکی در خصوص عملکردها و باورهای آنها ذکر شده است. زنان و مردان در هویت انسانی، فضیلت‌های اخلاقی، خطاب‌های اعتقادی و اخلاقی، کلیات تکالیف شرعی که متوجه نوع انسان باشد، پاداش و جزا و مکافات و دستیابی به کمال، مشترک هستند، اما از نظر جسمی، عواطف و احساسات و احکام معدودی تفاوت دارند (کریمیان، ۱۳۹۱). روایاتی در زمینه عقل زنان وجود دارد که برخی با استناد به آنها قائل به نقصان تعقل و خردورزی زنان شده‌اند (رک. کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق/۵۶۵/۱۰، مجلسی، ۱۴۰۷ هـ.ق/۲۲۱/۳۲). معنایی که بتوان با توجه به شواهد و قراین برای این

1. Alport
2. Raymond Cattell
3. Carl Rogers

روایات ارائه داد این است که کاستی عقل فطری در حیطه زندگی دنیوی و اداره خانواده و جامعه است؛ یعنی زن و مرد به لحاظ روحی و آفرینش، تفاوت دارند به گونه‌ای که مرد به طور نوعی و غالبی گرایش به تعقل و زن گرایش به احساس دارد (کریمیان، ۱۳۹۱).

در نهایت، علاوه بر وجود اختلاف نظرهایی که در جامعه در مورد تعقل زنان و مردان وجود دارد و همین‌طور اختلاف نظرهایی که در تفاسیر روایات نقصان عقول زنان وجود دارد و خدشه‌هایی که در سند و دلالت آنها وارد شده است (کریمیان، ۱۳۹۱). لازم است نقصان عقل زن را در محور عقل عملی مشاهده کرد؛ یعنی باید دید که زنان در عمل و رفتار، کمتر از مردان عاقلانه عمل می‌کنند یا خیر. برای دستیابی به این هدف باید میزان تعقل و خردورزی زنان و مردان توسط ابزارهای استاندارد به صورت میدانی بررسی و رابطه آن با ویژگی‌های شخصیتی مشخص شود. تاکنون تحقیقاتی پیرامون متغیر تعقل صورت گرفته و ارتباط آن با متغیرهای مختلف بررسی شده است.

با جست‌وجو در پایگاه‌های علمی معتبر، تحقیقی که هر سه متغیر تحقیق حاضر را با هم بررسی کرده باشد، یافت نشد، اما می‌توان به برخی پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر اشاره کرد؛ از جمله قربانی و خرمایی (۱۳۹۸) در پژوهش گزارش کردند که موافقت‌پذیری^۱، وظیفه‌شناسی^۲ و روان‌رنجوری^۳ می‌توانند به طور غیرمستقیم از طریق نقش میانجی صبر، خرد را پیش‌بینی کنند. حسینی و کرد نوقابی (۱۳۹۷) در پژوهش خود دریافتند که بین میزان خرد با روان‌رنجوری رابطه منفی وجود دارد و بین میزان خرد با برون‌گرایی^۴، موافق بودن و باوجدان بودن رابطه مثبت وجود دارد و همین‌طور بین میزان خرد با تجربه‌پذیری^۵ رابطه مثبت وجود دارد. یافته‌های قربانی (۱۳۹۶) نشان داد که از بین ابعاد شخصیتی توافق‌پذیری، برون‌گرایی، وظیفه‌گرایی و روان‌نژندگرایی قادر به پیش‌بینی خردمندی هستند. بهبود (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود گزارش کرد که در نمره کل عقلانیت زنان و مردان تفاوتی دیده نشد و در ابعاد شخصیتی بین زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد.

-
1. Agreeableness
 2. Conscientiousness
 3. Neuroticism
 4. Extraversion
 5. Openness to experience

تنها میانگین ویژگی شخصیتی روان رنجوری در زنان بیشتر از مردان است. همچنین ملک محمدی (۱۳۹۳) گزارش کرده است که خرد باروان رنجوری همبستگی منفی و با وجدانی بودن، توافق، تجربه پذیری و برون گرایی همبستگی مثبت دارد. فخرایی، خانجانی و بدری (۱۳۹۲) در پژوهش خود دریافتند که نمرات زنان در عوامل روان رنجوری، توافق پذیری و با وجدان بودن بیشتر از مردان و نمرات مردان در عامل تجربه پذیری بیشتر از زنان است، اما در زمینه عامل برون گرایی، تفاوت معناداری بین دو گروه زنان و مردان مشاهده نشد. بر اساس یافته های فروتن (۱۳۹۱) میانگین نمره عقل زنان و مردان تفاوت معنی داری با هم دارد و در مجموع، میانگین نمره عقل مردان بیش از زنان است. جباری (۱۳۹۰) گزارش کرده است که مؤلفه های شخصیت در میان داوطلبان پسر و دختر تفاوت معناداری ندارند.

بر اساس پژوهش ها و بین، ون کویین و یوفان^۱ (۲۰۲۰) بین پیشرفت تحصیلی، شخصیت گشوده و خردمندی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. مشکانی، ملک محمدی و شیردل^۲ (۲۰۱۹) دریافتند که روان رنجوری، موافقت پذیری، تجربه پذیری و برون گرایی در میان ۵ عامل بزرگ شخصیت می تواند به طور معنی داری واریانس خرد را پیش بینی کند. چراغی، کدیور، اردلت، اصغری و فرزاد^۳ (۲۰۱۵) نتیجه گرفتند که بین جنسیت و سن با خرد سه بعدی ارتباط معناداری وجود دارد. زنان مسن تر تمایل به تحصیلات کمتری دارند و از بعد خرد شناختی نمره کمتری می گیرند. نتایج تحقیقات معروف، خانی، انور و انور^۴ (۲۰۱۵) نشان داد که تفاوت های جنسیتی در خرد، قابل توجه و چشمگیر هستند. مردان در ابعاد عاطفی و انعکاسی خرد از زنان پیشی گرفته اند. همچنین پژوهش کانور^۵ (۲۰۱۳) نشان داد که بین جنسیت و خردمندی تفاوت معناداری وجود ندارد. سینق و داهیا^۶ (۲۰۱۳) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که دانش آموزان دختر به طور کلی از خرد بالاتری نسبت به دانش آموزان پسر برخوردارند. گلاک و همکاران^۷ (۲۰۱۳) نیز دریافتند که مقیاس های خردمندی در مورد

1. Hao-Bin, C. H. E. N., Wen-Qian, T. A. N. G., & Yu-Fan, C. H. E. N.
2. Moshkani, M., MalekMohammadi, H., & Shirdel, E.
3. Cheraghi, F., Kadivar, P., Ardelt, M., Asgari, A., & Farzad, V.
4. Maroof, R., Khan, M. J. Z., Anwar, M. & Anwar, A.
5. Kanwar, M.
6. Singh, U., & Dahiya, S.
7. Glück, J., & et al

جنسیت هیچ تفاوت کلی بین خرد زنان و مردان را نشان نمی دهد. یافته های پژوهش ویزبرگ، دی یانک و هریس^۱ (۲۰۱۱) حاکی از آن بود که توافق پذیری، روان رنجوری و برون گرایی در زنان بیشتر از مردان است، اما در مورد سایر عوامل، تفاوت معنی داری مشاهده نشد. نتایج پژوهش لپپا^۲ (۲۰۱۰) نشان دهنده این بود که تفاوت های جنسیتی در پنج عامل بزرگ شخصیتی بین کم تا متوسط است، بیشترین اختلافات در مورد توافق پذیری و روان رنجوری مشاهده شد که میانگین نمرات زنان، بالاتر از مردان گزارش شد.

چنان که ملاحظه شد رابطه برخی متغیرها با تعقل و خردورزی در تحقیقات محدود داخلی بررسی شده است. در خارج از کشور نیز تحقیقات میدانی وسیع تری در حوزه عقل و خرد صورت پذیرفته است، اما نتایج تحقیقات مذکور به دلیل تفاوت مذهبی و فرهنگی، تفاوت معنای عقل و خردورزی در اسلام و سایر مکاتب بشری و به تبع آن تفاوت در ابزار سنجش عقل چندان قابل اعتنا و استناد در جوامع اسلامی نیست. از این رو، نوآوری پژوهش حاضر علاوه بر جبران خلأ پژوهشی موجود در این حوزه عبارت است از: بررسی هم زمان سه متغیر ویژگی های شخصیتی، جنسیت و تعقل در جامعه و نمونه واحد، استفاده از ابزار اسلامی برای سنجش عقل و تبیین رابطه متغیرهای مذکور بر اساس مبانی اسلامی و معنای معهود از عقل و خردورزی در منابع اسلامی. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی های شخصیتی و جنسیت با تعقل و رابطه این متغیرها انجام شد.

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر که با توجه به هدف از نوع پژوهش های کاربردی است به شیوه غیرآزمایشی از نوع همبستگی انجام شد و داده های پژوهش با استفاده از روش های ضریب همبستگی و رگرسیون گام به گام و آزمون T مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمام زنان و مردان بالای ۱۸ سال ساکن شهر قم در سال

1. Weisberg, Y. J., DeYoung, C. G., & Hirsh, J. B.

2. Lippa, R. A.

۱۳۹۹ بود که تعداد روش ۱۹۰ نفر از ایشان بر اساس قانون تاباچنیک و فیدل^۱ (۲۰۱۳) با روش نمونه‌گیری گلوله برفی جهت ورود به پژوهش انتخاب شدند.

۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. پرسش‌نامه سنجش عقل میردریکوندی

پرسش‌نامه سنجش عقل^۲ (MWAS) برای اولین بار توسط میردریکوندی در سال ۱۳۸۸ برای بررسی خصوصیات و ویژگی‌های عقل و عاقل بر مبنای منابع اسلامی ساخته شد. این پرسش‌نامه با ۱۵۴ سؤال، هفت زیرمؤلفه ارتباط فرد با خدا، ارتباط فرد با خود، ارتباط فرد با دیگران، ارتباط فرد با دانش و حکمت، ارتباط فرد با دین و مذهب، ارتباط فرد با حق و باطل و ارتباط فرد با دنیا و آخرت را می‌سنجد. اعتبار این آزمون با آلفای کرونباخ ۰/۹۶ است. همچنین اعتبار آن با روش دونیمه کردن بین ۰/۹۳ و ۰/۹۴ می‌باشد. روایی آزمون بر اساس آزمون f سطح معنی‌داری ۰/۸۹٪ و بر اساس آزمون X^۲ سطح معنی‌داری ۰/۳۸٪ را نشان می‌دهد و مؤید این مطلب است که از نگاه داوران، مقیاس، روایی لازم را دارد (میردریکوندی، ۱۳۹۵).

۲-۳-۲. پرسش‌نامه شخصیت نئو

پرسش‌نامه NEO یکی از پرسش‌نامه‌های مربوط به ارزیابی ساخت شخصیت بر اساس دیدگاه تحلیل عاملی است که در سال ۱۹۸۵ توسط مک کری^۳ و کاستا تهیه شده است. (عبدلی، ۱۳۹۴) فرم کوتاه این پرسش‌نامه NEO-FFI با ۶۰ سؤال، مؤلفه‌های روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی را می‌سنجد. (شاه نظری، ۱۳۹۱) که در پژوهش حاضر از این فرم استفاده شده است. مک کری و کوستا در سال ۱۹۸۳ فرم ۶۰ سؤالی نئو (NEO-FFI) را روی ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله سه ماه اجرا کردند و ضرایب پایایی ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ را به ترتیب برای عوامل C, A, O, E, N به دست آوردند (گروسی فرشی و صوفیانی، ۱۳۸۷). این آزمون در ایران در سال ۱۳۷۸ توسط حق‌شناس اجرا و هنجاریابی شده است که ضرایب آلفای کرونباخ آن در مطالعه نمونه ۵۰۲ نفری به ترتیب

1. Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S.
2. Mirderikvandi's Wisdom Assessment Scale
3. McCrae

برای روان رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و وجدانی بودن ۰/۷۱، ۰/۵۷ و ۰/۸۳ گزارش شده است (بهبود، ۱۳۹۳).

۳. یافته‌های پژوهش

با توجه به اطلاعات دموگرافیک آزمودنی‌ها تعداد ۱۳۲ نفر (۶۹٪) پاسخ‌گویان زن و ۵۸ نفر (۳۱٪) مرد بودند. ۲۴٫۷٪ کمتر از ۳۰ سال داشتند. ۲۸٫۴٪ بین ۳۰ تا ۳۵ سال داشتند. ۱۷٫۴٪ بین ۳۶ تا ۴۰ سال داشتند. سن ۷٫۴٪ پاسخ‌گویان بین ۴۱ تا ۴۵ سال بود. ۶٫۸٪ پاسخ‌گویان بین ۴۶ تا ۵۰ سال داشتند و ۱۵٫۳٪ پاسخ‌گویان متعلق به افرادی است که بیش از ۵۰ سال داشتند. ۱۷٫۳٪ پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دیپلم یا کمتر بودند، تحصیلات ۱۵٫۸٪ پاسخ‌گویان در حد کاردانی یا سطح یک حوزه بود. ۳۸٫۹٪ پاسخ‌گویان دارای تحصیلات کارشناسی یا سطح دو حوزه علمیه بودند. افرادی که دارای تحصیلات کارشناسی ارشد یا سطح سه حوزه بودند ۲۴٫۲٪ کل پاسخ‌گویان را تشکیل دادند و سطح تحصیلات ۳٫۷٪ نیز در حد دکتری یا سطح چهار بود.

جدول ۱

ماتریس همبستگی عوامل پنج‌گانه ویژگی‌های شخصیتی

باوجدان بودن	توافق‌پذیری	تجربه‌پذیری	برون‌گرایی	روان رنجوری	تعقل	تعقل
					۱	تعقل
				۱	-۰٫۵۸۸**	روان رنجوری
			۱	-۰٫۵۸۸**	۰٫۶۵۶**	برون‌گرایی
		۱	۰٫۲۰۵**	-۰٫۲۶۳**	۰٫۱۵۹*	تجربه‌پذیری
	۱	۰٫۲۸۳**	۰٫۴۶۳**	-۰٫۴۶۸**	۰٫۵۴۶*	توافق‌پذیری
۱	۰٫۴۸۱**	۰٫۱۹۰**	۰٫۶۴۵**	-۰٫۵۱۰**	۰٫۷۶۶**	باوجدان بودن

** $P \leq 0,01$

* $P \leq 0,05$

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که از بین عوامل شخصیتی، عامل باوجدان بودن دارای بیشترین رابطه مثبت و معنی‌دار با تعقل است. بعد از عامل باوجدان بودن، عوامل برون‌گرایی و توافق‌پذیری به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند و عامل تجربه‌پذیری کمترین میزان همبستگی را نشان می‌دهد که البته در سطح ($P \leq 0,05$) مثبت و معنی‌دار

است. عامل روان رنجوری رابطه منفی و معنی دار را نشان می دهد؛ یعنی اگر افراد، روان رنجوری کمتری داشته باشند میزان تعقل آنها افزایش می یابد و برعکس.

جدول ۲

اطلاعات توصیفی گروه‌ها در مورد عوامل ویژگی‌های شخصیتی

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد
مرد	۵۸	۲,۰۹	۰,۴۸۶	۰,۰۶۳
	۱۳۲	۲,۲۷	۰,۵۹۱	۰,۰۵۱
زن	۵۸	۳,۱۷	۰,۳۰۴	۰,۰۳۹
	۱۳۲	۲,۹۸	۰,۴۲۵	۰,۰۳۷
مرد	۵۸	۲,۶۴	۰,۲۴۵	۰,۰۳۲
	۱۳۲	۲,۶۵	۰,۲۴۷	۰,۰۲۱
مرد	۵۸	۳,۱۸	۰,۳۵۴	۰,۰۴۶
	۱۳۲	۳,۲۱	۰,۳۴۵	۰,۰۳۰
زن	۵۸	۳,۴۷	۰,۳۶۰	۰,۰۴۷
	۱۳۲	۳,۲۴	۰,۴۵۹	۰,۰۴۰

جدول ۳

آزمون t دو نمونه‌ای مستقل

متغیر وابسته	آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		آزمون t برای برابری میانگین‌ها	
	مقدار F	سطح معنی داری	مقدار t	درجه آزادی
روان رنجوری	۳,۱۳۵	۰,۰۷۸	-۲,۰۳۶	۱۸۸
			-۲,۱۹۷	۱۳۱,۲۲۰
برون‌گرایی	۹,۲۵۶	۰,۰۰۳	۳,۰۰۶	۱۸۸
			۳,۴۱۴	۱۴۹,۱۵۰
تجربه‌پذیری	۰,۱۰۰	۰,۷۵۲	-۰,۲۲۵	۱۸۸
			-۰,۲۲۵	۱۰۹,۷۳۳
توافق‌پذیری	۰,۰۵۳	۰,۸۱۸	-۰,۵۵۷	۱۸۸
			-۰,۵۵۱	۱۰۶,۳۷۴
باوجدان بودن	۴,۹۷۱	۰,۰۲۷	۳,۳۲۵	۱۸۸
			۳,۶۵۳	۱۳۷,۲۱۲

برای مقایسه میانگین بین دو نمونه آماری از آزمون t دو نمونه ای مستقل استفاده می شود. قبل از آزمون t، آزمون لوین برای بررسی برابری یا نابرابری واریانس ها انجام می شود (جدول ۳). یافته ها نشان داد که سطح معنی داری آزمون t در مورد تجربه پذیری و توافق پذیری بیش از ۰٫۰۵ است. بنابراین، آزمون در مورد آنها معنادار نبود و در این حوزه ها تفاوتی بین گروه مردان و زنان مشاهده نمی شود، اما سطح معنی داری آزمون t در مورد عامل های روان رنجوری، برون گرایی و باوجدان بودن به ترتیب (۰٫۰۴۳، ۰٫۰۰۱ و ۰٫۰۰۰) گزارش شد. بنابراین، می توان گفت بین گروه مردان و زنان در مورد این عوامل تفاوت وجود داشت. روان رنجوری در زنان بیشتر از مردان و برون گرایی و باوجدان بودن در مردان بیشتر از زنان بود.

جدول ۴

اطلاعات توصیفی گروه ها در مورد متغیر تعقل و مؤلفه های آن

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد
تعقل	مرد	۳،۴۷	۰،۲۲۹	۰،۰۳۰
	زن	۳،۳۶	۰،۲۸۵	۰،۰۲۴
ارتباط فرد با خدا	مرد	۳،۶۷	۰،۲۷۰	۰،۰۳۵
	زن	۳،۵۸	۰،۳۳۹	۰،۰۲۹
ارتباط فرد با خود	مرد	۳،۳۴	۰،۲۷۷	۰،۰۳۶
	زن	۳،۲۳	۰،۳۲۶	۰،۰۲۸
ارتباط فرد با دیگران	مرد	۳،۵۷	۰،۱۹۸	۰،۰۲۶
	زن	۳،۴۵	۰،۲۷۲	۰،۰۲۳
ارتباط فرد با دانش و حکمت	مرد	۳،۵۰	۰،۳۷۳	۰،۰۴۹
	زن	۳،۳۵	۰،۳۴۷	۰،۰۳۰
ارتباط فرد با دین و مذهب	مرد	۳،۴۱	۰،۵۶۴	۰،۰۷۴
	زن	۳،۳۶	۰،۴۳۷	۰،۰۳۸
ارتباط فرد با حق و باطل	مرد	۳،۶۰	۰،۳۴۱	۰،۰۴۴
	زن	۳،۴۳	۰،۳۷۸	۰،۰۳۲
ارتباط فرد با دنیا و آخرت	مرد	۳،۵۵	۰،۳۸۳	۰،۰۵۰
	زن	۳،۳۰	۰،۴۴۱	۰،۰۳۸

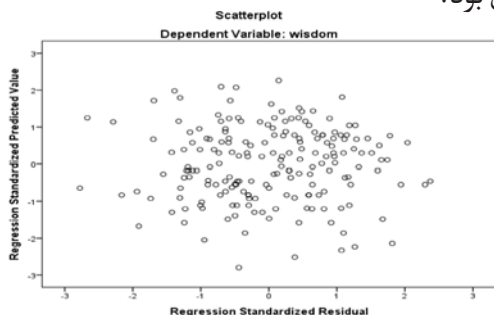
جدول ۵

آزمون t دو نمونه‌ای مستقل

آزمون t برای برابری میانگین‌ها			آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		متغیر وابسته
سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی داری	مقدار F	
۰,۰۰۷	۱۸۸	۲,۷۴۲	۰,۰۵۹	۳,۶۲۰	تعقل
۰,۰۰۳	۱۳۳,۶۶۲	۲,۹۸۱			
۰,۰۷۶	۱۸۸	۱,۷۸۲	۰,۰۲۷	۴,۹۴۹	ارتباط فرد با خدا
۰,۰۵۴	۱۳۴,۸۱۰	۱,۹۴۴			
۰,۰۳۰	۱۸۸	۲,۱۸۷	۰,۰۴۴	۴,۱۲۱	ارتباط فرد با خود
۰,۰۲۱	۱۲۶,۹۴۲	۲,۳۲۹			
۰,۰۰۳	۱۸۸	۲,۹۷۰	۰,۰۰۲	۱۰,۳۴۱	ارتباط فرد با دیگران
۰,۰۰۱	۱۴۶,۵۸۷	۳,۳۵۰			
۰,۰۰۸	۱۸۸	۲,۶۶۷	۰,۰۰۵	۰,۲۶۸	ارتباط فرد با دانش و حکمت
۰,۰۱۱	۱۰۱,۹۵۲	۲,۵۹۰			
۰,۴۸۲	۱۸۸	۰,۷۰۴	۰,۱۲۵	۲,۳۸۱	ارتباط فرد با دین و مذهب
۰,۵۲۵	۸۸,۳۷۱	۰,۶۳۸			
۰,۰۰۳	۱۸۸	۲,۹۹۴	۰,۰۲۶۳	۱,۲۶۰	ارتباط فرد با حق و باطل
۰,۰۰۲	۱۲۰,۱۶۴	۳,۱۱۹			
۰,۰۰۰	۱۸۸	۳,۷۳۹	۰,۱۴۸	۲,۱۰۹	ارتباط فرد با دنیا و آخرت
۰,۰۰۰	۱۲۴,۴۵۰	۳,۹۴۰			

باتوجه به جدول ۵ آماره آزمون t برابر با ۲,۷۴۲ و سطح معنی داری آن ۰,۰۰۷ است. بنابراین، آزمون معنی دار است و با توجه به بالاتر بودن میانگین نمرات تعقل مردان می‌توان نتیجه گرفت که میزان تعقل در مردان بیش از زنان بوده است. در این آزمون به غیر از نمره کل تعقل، نمرات مؤلفه‌های تعقل نیز بررسی شد. یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که سطح معنی داری آزمون در مورد مؤلفه‌های ارتباط فرد با خدا و ارتباط فرد با دین و مذهب بیش از ۰,۰۵ است. بنابراین، آزمون در مورد آنها معنادار نشد و در این حوزه‌ها تفاوتی بین گروه مردان و زنان مشاهده نشد. سطح معنی داری آزمون t در مورد ارتباط فرد با خودش، ارتباط فرد با دیگران، ارتباط فرد با دانش و حکمت، ارتباط فرد با حق و باطل و ارتباط فرد با دنیا و آخرت کمتر از ۰,۰۵ است. بنابراین، آزمون در مورد آنها معنادار است، بنابراین در این حوزه‌ها بین گروه زنان و مردان تفاوت وجود داشت. با توجه به میانگین نمره‌های

مؤلفه‌های مذکور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود در مورد تمام این مؤلفه‌ها نمره مردان بیشتر از زنان است. پس می‌توان گفت در این پژوهش میزان تعقل مردان در مورد این مؤلفه‌ها بیشتر از زنان بود.



نمودار ۱: نمودار پراکنندگی مقادیر پیش بینی شده در برابر باقی مانده‌ها برای بررسی مفروضه همگنی واریانس

جدول ۶

نتایج رگرسیون گام به گام تعقل بر اساس عوامل ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت

مرحله	متغیرها	منابع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری	R ²
گام اول	باوجدان بودن	رگرسیون	۸,۳۳۲	۱	۸,۳۳۲	۲۶۶,۳۶۲	۰,۰۰۰	۰,۵۸۶
		باقیمانده	۵,۸۸۰	۱۸۸	۰,۰۳۱			
گام دوم	باوجدان بودن و روان‌رنجوری	رگرسیون	۹,۰۷۹	۲	۴,۵۴۰	۱۶۵,۴۰۰	۰,۰۰۰	۰,۶۳۹
		باقیمانده	۵,۱۳۳	۱۸۷	۰,۰۲۷			
گام سوم	باوجدان بودن و روان‌رنجوری و توافق‌پذیری	رگرسیون	۹,۳۶۲	۳	۳,۱۲۱	۱۱۹,۶۷۱	۰,۰۰۰	۰,۶۵۹
		باقیمانده	۴,۸۵۰	۱۸۶	۰,۰۲۶			
گام چهارم	باوجدان بودن و روان‌رنجوری و توافق‌پذیری و برون‌گرایی	رگرسیون	۹,۵۵۲	۴	۲,۳۸۸	۹۴,۷۹۱	۰,۰۰۰	۰,۶۷۲
		باقیمانده	۴,۶۶۰	۱۸۵	۰,۰۲۵			

برای بررسی پیش بینی تعقل بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت از رگرسیون گام به گام استفاده شد (جدول ۶). نتیجه آزمون‌های کلموگروف-اسمیرنوف ($K-S=0.063$) نشان دهنده نرمال بودن توزیع باقی مانده‌های رگرسیون است. همچنین نمودار ۱ تأییدکننده مفروضه همگنی واریانس باقی مانده‌های رگرسیون است. بنابراین، می‌توان گفت مفروضه‌های اصلی رگرسیون برقرار است.

ضرایب رگرسیون تعقل براساس عوامل ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت

متغیر	ضریب B	خطای استاندارد	ضریب بتا	t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱,۸۱۶	۰,۱۹۱		۹,۵۲۷	۰,۰۰۰
باوجدان بودن	۰,۳۱۱	۰,۰۳۶	۰,۵۰۳	۸,۶۹۴	۰,۰۰۰
روان رنجوری	-۰,۰۷۹	۰,۰۲۶	-۰,۱۶۳	-۲,۹۸۱	۰,۰۰۳
توافق پذیری	۰,۱۱۹	۰,۰۴۰	۰,۱۵۱	۲,۹۷۵	۰,۰۰۳
برون‌گرایی	۰,۱۱۴	۰,۰۴۱	۰,۱۶۶	۲,۷۴۵	۰,۰۰۷

همان‌گونه که نتایج جدول ۶ و ۷ نشان می‌دهد پیش‌بینی تعقل آزمودنی‌ها براساس عوامل ویژگی‌های شخصیت و جنسیت فقط در مورد باوجدان بودن، روان رنجوری، توافق‌پذیری و برون‌گرایی معنادار است. این متغیرها در مجموع ۶۷/۲٪ از تعقل آزمودنی‌ها را پیش‌بینی می‌کنند. ضریب بتای چهار متغیر باوجدان بودن، روان رنجوری، توافق‌پذیری و برون‌گرایی به ترتیب ۰,۵۰۳، -۰,۱۶۳، ۰,۱۵۱ و ۰,۱۶۶ است. بنابراین، با توجه به این یافته‌ها از بین پنج عامل ویژگی‌های شخصیتی و همین‌طور جنسیت، عوامل باوجدان بودن، روان رنجوری، توافق‌پذیری و برون‌گرایی میزان تعقل افراد را پیش‌بینی می‌کنند.

بر اساس ضریب رگرسیون، عوامل باوجدان بودن، توافق‌پذیری و برون‌گرایی مثبت است. بدین ترتیب می‌توان گفت که با افزایش مقدار هر یک از این عوامل، میزان تعقل افراد افزایش می‌یابد و برعکس با کاهش مقدار این عوامل، میزان تعقل افراد کاهش می‌یابد. ضریب رگرسیون روان رنجوری منفی است؛ یعنی با افزایش آن، میزان تعقل افراد کاهش یافته و با کاهش آن، میزان تعقل افراد افزایش می‌یابد. در این رهگذر، عامل باوجدان بودن بیشتر از سایر عوامل در پیش‌بینی میزان تعقل افراد نقش دارد. با وجود چهار متغیر باوجدان بودن، روان رنجوری، توافق‌پذیری و برون‌گرایی در مدل، متغیر تجربه‌پذیری توان پیش‌بینی متغیر تعقل را ندارد. همچنین مدل پیش‌بینی تعقل براساس متغیرهای پیش‌بین به جنسیت افراد وابسته نیست.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیت، جنسیت با تعقل و پیش بینی تعقل بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت بود. نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی با تعقل رابطه وجود دارد. از بین عوامل شخصیتی، عامل باوجدان بودن دارای بیشترین رابطه مثبت و معنی دار با تعقل بود. بعد از عامل باوجدان بودن، عوامل برون‌گرایی و توافق‌پذیری به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار داشت و عامل تجربه‌پذیری کمترین میزان همبستگی را نشان داد که البته در سطح $P \leq 0,05$ مثبت و معنی دار بود. عامل روان‌رنجوری رابطه منفی و معنی دار را نشان داد؛ به این ترتیب که اگر افراد از روان‌رنجوری کمتری بهره‌مند باشند میزان تعقل آنها افزایش می‌یابد و برعکس.

نتایج پژوهش حاضر همسو با نتایج پژوهش‌های هاووبین و همکاران (۲۰۲۰)، مشکانی و همکاران (۲۰۱۹)، قربانی و خرمایی (۱۳۹۸)، حسینی و کردنوقابی (۱۳۹۷)، قربانی (۱۳۹۶) و ملک محمدی (۱۳۹۳) است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که انسان‌های باوجدان و وظیفه‌شناس، افرادی منطقی، آگاه، مطلع و به‌طور کلی دارای توانایی‌های بالایی هستند. بخشی از موفقیت آنها مرهون نظم و انضباط در انجام امور است. آنها برای انجام امور برنامه‌ریزی کرده و قبل از اقدام، با دقت فکر می‌کنند. زندگی آنها در مسیری امتداد می‌یابد که از پیش انتخاب کرده‌اند (مک‌کری و کوستا، ۲۰۰۶). افراد باوجدان به‌نوعی آرمان‌گرا هستند و در هر کاری که انجام می‌دهند برای تعالی تلاش می‌کند (مک‌کری و کوستا، ۲۰۰۸). از سوی دیگر، عقل قوه‌ای برای نظم دادن به امور زندگی (ایمانی، ۱۳۷۸) و توان تشخیص حق و عمل به آن است (جوادی آملی، ۱۳۷۶). پس انسان‌های باوجدان با توجه به ویژگی‌های خود در مسیر عقلانیت گام برمی‌دارند. از طرفی، افراد روان‌رنجور در تصمیم‌گیری‌های خود به‌صورت تکانشی عمل می‌کنند و عواطف ناسالمی چون اضطراب و گناه را تجربه می‌کنند و در مقابله با مشکلات، کمتر به دنبال حل مسائل و در نظر گرفتن دیدگاه‌های جدید هستند. چنین افرادی در زندگی خود کمتر از تعقل کمک گرفته و معمولاً به دنبال نتیجه‌های فوری با کمترین تلاش هستند (مک‌کری و کوستا، ۲۰۰۶).

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که در مورد عامل‌های روان‌رنجوری، برون‌گرایی و

با وجدان بودن بین گروه مردان و زنان تفاوت وجود دارد. روان رنجوری در زنان بیشتر از مردان است و برون‌گرایی و با وجدان بودن در مردان بیشتر از زنان می‌باشد، اما در مورد تجربه‌پذیری و توافق‌پذیری تفاوتی بین گروه مردان و زنان مشاهده نشد. یافته‌های پژوهش در این مورد، با نتایج پژوهش بهبود (۱۳۹۳)، ویزبرگ و همکاران (۲۰۱۱) و لپیا (۲۰۱۰) همسوست، اما در مورد ارتباط سایر ویژگی‌های شخصیتی با جنسیت، نتایج این تحقیق با پژوهش‌های بهبود (۱۳۹۳)، ویزبرگ و همکاران (۲۰۱۱) و لپیا (۲۰۱۰) ناهمسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که نتایج این تحقیق و همین‌طور سایر پژوهش‌ها در حوزه تفاوت در میزان روان رنجوری و بالاتر بودن میزان آن در زنان می‌تواند به دلیل بیشتر بودن آمادگی‌های جسمانی و روحی زنان در خصوص تجربه اضطراب، غم و سایر ابعاد روان رنجوری باشد. برای مثال زنان مستعد افسردگی زایمان و اختلال ملال قاعدگی هستند، در حالی که مردان به دلیل تفاوت‌های فیزیکی خود، دچار چنین عارضه‌هایی نخواهند شد. نتایج این تحقیق در مورد عامل‌های برون‌گرایی و با وجدان بودن با تحقیقات بهبود (۱۳۹۳) و ویزبرگ و همکاران (۲۰۱۱) ناهمسوست که می‌توان گفت شرایط و ویژگی‌های جغرافیایی و جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه در این یافته می‌تواند مؤثر بوده باشد.

سومین یافته پژوهش حاضر این است که بین جنسیت و تعقل رابطه وجود داشت. در مورد ارتباط فرد با خودش، ارتباط فرد با دیگران، ارتباط فرد با دانش و حکمت، ارتباط فرد با حق و باطل و ارتباط فرد با دنیا بین گروه زنان و مردان تفاوت وجود داشت. با توجه به میانگین نمرات می‌توان گفت که میزان تعقل مردان در مورد این مؤلفه‌ها بیشتر از زنان است، اما در مورد مؤلفه‌های ارتباط فرد با خدا و ارتباط فرد با دین و مذهب تفاوتی بین گروه مردان و زنان مشاهده نشد. در مورد نمره کل تعقل نیز با توجه به بالاتر بودن میانگین نمرات تعقل مردان می‌توان نتیجه گرفت که میزان تعقل در مردان بیش از زنان است. این نتایج با تحقیقات معروف و همکاران (۲۰۱۵)، چراغی و همکاران (۲۰۱۵)، سینق و داهیا (۲۰۱۳) و فروتن (۱۳۹۱) همسو و با پژوهش‌های گلاک و همکاران (۲۰۱۳)، کانور (۲۰۱۳) و بهبود (۱۳۹۳) ناهمسوست. برخی از مهمترین علل این ناهمسویی، تفاوت در مبانی نظری، مفهوم و ابزار سنجش خردورزی است. در پژوهش حاضر میزان تعقل افراد بر اساس ابزار اسلامی

سنجیده شده است که حوزه‌های متفاوت فردی، اجتماعی، اعتقادی و مذهبی افراد را مورد سنجش قرار می‌دهد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که زنان در برخی از این حوزه‌ها به واسطه مسائلی مانند عادت ماهانه، بارداری، فرزندپروری و مسئولیت اداره خانه، محدودیت‌هایی دارند. زن و مرد از نظر روحی، آفرینشی متفاوت دارند؛ احساسات زن از مرد جوشان‌تر و از دوران کودکی در وجود او آشکار است (مطهری، ۱۳۹۴). علاوه بر این، شرط اول تعقل و تفکر کامل، تسلط بر خویش و مهار عواطف و احساسات است و هرچه عواطف شدیدتر و قوی‌تر باشد میزان تعقل و کاربست عقل کم می‌شود (بیروز، ۱۳۹۵). بنابراین، با توجه به شرایط فیزیولوژیکی و روحی - روانی زنان و همچنین نتایج تحقیق مبنی بر بالاتر بودن نمره روان‌رنجوری زنان و وجود رابطه بین روان‌رنجوری و تعقل می‌توان بیان کرد که پایین‌تر بودن نمره تعقل و خردورزی زنان در جامعه مورد بررسی نسبت به مردان دور از انتظار نیست. این یافته به معنای برتری یک جنس بر دیگری نیست؛ زیرا ملاک برتری، کمال فردی و قرب الهی است و در آن بخش از تعقل که به کمال فردی و قرب الهی ارتباط دارد بین زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد و این یافته به صورت کامل با مبانی نظری اسلامی همسانی دارد.

از سوی دیگر آن بخش از تعقل که بیشتر به نقش زنان و مردان مرتبط است نمره مردان بیش از زنان است که این نیز از اقتضائات فیزیکی، روانی و نقش‌های جنسیتی است. در تأیید این تبیین باید گفت که برخی اندیشمندان مسلمان قائل به تساوی قدرت تعقل زنان و مردان هستند و معتقدند که قدرت تعقل در مردان بیشتر نیست، بلکه موانع تعقل یعنی، عواطف و احساسات در وجود مرد کمتر جولان می‌دهد و از آنجا که در وجود او موانع کمتر است نمود تعقل بیشتر است. این گروه معتقدند که شدت عاطفه در زنان مانعی جدی برای نگرش عقلانی به مسائل است، اما مرد از آنجا که عواطف ضعیف‌تری دارد با سهولت بیشتری می‌تواند واقعیات را ببیند و باعث می‌شود قدرت تعقل در او نمود بیشتری داشته باشد (مصباح یردی، ۱۳۶۷). بنابراین، میان اصل قدرت تعقل با تعقل و خردورزی و ظهور و بروز آن تفاوت وجود دارد. ظهور و بروز تعقل در زنان به دلیل اقتضائات جسمی و روانی، کمتر است، اما آن بخش که ملاک برتری به حساب می‌آید در هر دو جنس برابر است. یافته‌های تحقیق نیز نشان داد که در مورد مؤلفه‌های ارتباط فرد با خدا و ارتباط فرد با دین و مذهب

تفاوتی بین گروه مردان و زنان وجود ندارد و ملاک خردورزی و عاقل‌تر بودن زنان و مردان در اسلام چیزی است که موجب تقرب به بارگاه الهی شود و در این زمینه محدودیتی برای افراد وجود ندارد و هر دو گروه می‌توانند بدون توجه به جنسیت خود، در راه رسیدن به قرب الهی و کمال گام بردارند. (نیازکار، ۱۳۹۵) بنابراین، از آنجا که پرسش‌نامه مورد استفاده در پژوهش حاضر، کاربست عقل در زندگی روزمره را مورد سنجش قرار می‌دهد، به صورت طبیعی نمره تعقل زنان پایین‌تر از مردان بوده است.

نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر نشان داد که از بین پنج عامل ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت، عوامل باوجدان بودن، روان‌رنجوری، توافق‌پذیری و برون‌گرایی می‌توانند تعقل و خردورزی افراد را پیش‌بینی کنند. این متغیرها در مجموع ۶۷٫۲٪ از تعقل آزمودنی‌ها را پیش‌بینی می‌کنند. ضریب رگرسیون عوامل باوجدان بودن، توافق‌پذیری و برون‌گرایی مثبت است؛ بدین ترتیب می‌توان گفت که با افزایش مقدار هر یک از این عوامل، میزان تعقل افراد افزایش می‌یابد و برعکس با کاهش مقدار این عوامل، میزان تعقل افراد کاهش می‌یابد. ضریب رگرسیون روان‌رنجوری منفی است؛ بدین معنی که با افزایش آن، میزان تعقل افراد کاهش یافته و با کاهش آن، میزان تعقل افراد افزایش می‌یابد. باوجود چهار متغیر باوجدان بودن، روان‌رنجوری، توافق‌پذیری و برون‌گرایی در مدل، متغیر تجربه‌پذیری توان پیش‌بینی متغیر تعقل را ندارد. همچنین مدل پیش‌بینی تعقل بر اساس متغیرهای پیش‌بین به جنسیت افراد وابسته نیست.

شخصیت سازمانی پویا از نظام‌های روانی و جسمانی است که رفتار و اندیشه افراد را تعیین می‌کند. (قربانی، ۱۳۹۶) از طرفی، امام صادق علیه السلام در روایتی عقل را ستون انسانیت معرفی می‌کند (رک، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱/۲۵)، پس بین شخصیت و عقلانیت، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. برخی نظریه‌پردازان نیز چشم‌انداز شخصیتی به خرد دارند. برای نمونه آردلت، خرد را به‌عنوان ویژگی‌های شخصیتی که ابعاد شناختی، تأملی و هیجانی را یکپارچه می‌سازد، تعریف می‌کند (ملک محمدی، ۱۳۹۳)، پس رشد شخصیت در واقع نقش اساسی در رشد خرد دارد (لو، ۲۰۱۸). برخی پژوهشگران در تقسیم‌بندی خود، خردمندی را به دو نوع اخلاقی و طبیعی دسته‌بندی می‌کنند.

براین اساس، درک مفهوم خردمندی در جامعه ایرانی با عناصر اخلاقی نزدیکی بیشتری دارد. (قربانی، ۱۳۹۶) از میان عوامل ویژگی‌های شخصیتی، تنها گشوده بودن به تجربه توانایی پیش‌بینی متغیر تعقل را نداشت. افراد گشوده به تجربه از نظر ارزشی، افرادی لیبرال به شمار می‌روند و معتقد هستند درست و غلط بودن یک امر، همیشگی و در همه فضاها قابل تعمیم نیست، علاقه‌مند به تجربه کردن ارزش‌های سیاسی و مذهبی مختلف هستند و در مورد عقاید جدید کنجکاو می‌باشند (مک‌کری و کوستا، ۲۰۰۶). در صورتی که این مسئله به طور کلی با فضای اخلاقی، فرهنگی و مذهبی جامعه سازگار نیست. هرچند در آزمون T نمره مردان در زمینه متغیر تعقل بالاتر از زنان گزارش شد، اما با توجه به اختلاف میانگین اندکی که بین نمرات دو گروه وجود داشت، متغیر جنسیت در رگرسیون گام به گام قادر به پیش‌بینی میزان تعقل آزمودنی‌ها نبود. بنابراین، در تحقیق حاضر، عوامل باوجدان بودن، توافق‌پذیری، برون‌گرایی و روان‌رنجوری قادر به پیش‌بینی تعقل افراد هستند. از این رو، باید از پیش‌بینی تعقل و خردورزی افراد بر اساس جنسیت آنان و اعمال کلیشه‌های جنسیتی مرتبط با تعقل پرهیز کرد.

بر اساس یافته‌های تحقیق، به والدین، مربیان و درمانگران پیشنهاد می‌شود که با توجه به ویژگی‌های شخصیتی افراد و جنسیت آنان، انتظار خود از خردورزی و عقلانیت افراد را تنظیم و مدیریت کرد و با استفاده از یافته‌های تحقیق در راستای کمک به آنان در ارتقای سطح عقلانیت، شکوفایی و فعال‌سازی عقل گام بردارند. برای بهبود خردورزی افراد جامعه بهتر است به صورت زیربنایی و از دوران طفولیت ویژگی‌های شخصیتی باوجدان بودن، توافق‌پذیری و برون‌گرایی در آنها تقویت و از بروز روان‌رنجوری تا حد ممکن ممانعت شود تا شاهد جامعه‌ای بود که افراد آن به واسطه افزایش میزان تعقل و خردورزی بتوانند به اهداف متعالی که برای زندگی فردی و اجتماعی تعریف شده است به شایستگی دست یابند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۸). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دارالقرآن.
- * نهج‌البلاغه (۱۳۹۵). مترجم: دشتی، محمد. قم: جمکران.
- ۱. انکینسون، ریتا ال (۱۳۹۸). زمینه روان‌شناسی هیلگارد. مترجم: براهنی، محمدتقی. تهران: نشر رشد.
- ۲. احمدی، قاسم (۱۳۹۳). تأثیر جنسیت در اخلاق. رساله دکتری. دانشگاه معارف اسلامی.
- ۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۹۵). غررالحکم و دررالکلم. مترجم: غروی‌ان، محسن. قم: پیرامید.
- ۴. ایمانی، محسن (۱۳۷۸). تربیت عقلانی. تهران: امیرکبیر.

۵. بهبود، الهام (۱۳۹۳). مقایسه دینداری، عقلانیت و ابعاد شخصیت دانشجویان دانشگاه و طلاب حوزه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۶. بنی جمالی، شکوه السادات، و. واحدی، حسن (۱۳۹۷). علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی و تطبیق آن با روان شناسی جدید. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. پیروز، علی آقا (۱۳۹۵). بررسی کاربست روایات نقصان عقل در موضوع مدیریت زنان. نشریه اسلام و مدیریت، ۹، ۱۳۰-۱۳۲.
۸. تیبیک، محمدتقی، و. زندی، محسن (۱۳۹۷). روان شناسی مثبت نگر نظریه ها، پژوهش ها و کاربردها. قم: دارالحدیث.
۹. جباری کوچمشکی، ناهید (۱۳۹۰). پیش بینی سطح رضایت از طریق ویژگی های شخصیتی داوطلبان المپیاد ورزشی دانشجویان با تأکید بر جنسیت. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کردستان.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶). حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۱. جهان بین، امیر مسعود (۱۳۸۵). کتاب عقل (دفتراول، شناخت علم و عقل). تهران: نیاب.
۱۲. حسینی، محبا، و. کردنوقایی، رسول (۱۳۹۷). تبیین سازه خردورزی براساس پنج عامل بزرگ شخصیت. ششمین کنگره علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روان شناسی در ایران. تهران.
۱۳. حیدری، سارا (۱۳۹۵). نقش دینداری والدین به واسطه عقلانیت دینی بر تاب آوری، سلامت روان و رضایت از زندگی دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
۱۴. حیدری، مریم (۱۳۸۴). بررسی وضعیت روان شناختی دانشجویان دانشگاه اصفهان با آزمون جدید شخصیتی نشو - NEO-PI. نشریه مطالعات روان شناسی تربیتی، ۳(۲)، ۳۱-۴۶.
۱۵. شاهسوار، محبوبه، و. کوچوی، فرزانه (۱۳۹۸). پیش بینی کارآمدی خانواده بر اساس مرزهای بیرونی خانواده و خردمندی زوجین. نشریه پژوهش های روان شناسی اسلامی، ۲(۲)، ۳۵-۵۴.
۱۶. شاه نظری، مهدی (۱۳۹۱). تدوین مدل رضایت زناشویی بر پایه ویژگی های شخصیت، سبک های دلبستگی و جهت گیری مذهبی. پایان نامه دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۷. شولتز، دوان بی، و. شولتز، سیدنی ال (۱۳۹۸). نظریه های شخصیت. مترجم: سید محمدی، یحیی. تهران: نشر ویرایش.
۱۸. صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی (۱۳۷۲). معانی الاخبار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ه.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. عدلی، نسرین (۱۳۹۴). تدوین مدل رفتار رانندگی براساس ویژگی های شخصیت، سلامت روانی، پرخشگری و زمان واکنش در رانندگان حادثه ساز و حادثه ناپدید استان کرمانشاه. رساله دکتری. دانشگاه بین المللی امام رضا (ع).
۲۱. غفاری ساروی، حسین (۱۳۸۳). عقل در آینه نقل. ساری: نشر شوق.
۲۲. فخرایی، نفیسه، و. خانجانی، زینب، و. بدری، رحیم (۱۳۹۲). بررسی ویژگی های شخصیتی در افراد معتاد و عادی با توجه به جنسیت. نشریه توانبخشی، ۵۱(۱۴)، ۸-۱۶.
۲۳. فروتن، علی اصغر (۱۳۹۱). رابطه عقل و حیا در میان طلاب زن و مرد حوزه علمیه قم. پایان نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
۲۴. قربانی، رقیه (۱۳۹۶). تبیین خردمندی: براساس ویژگی های شخصیتی و هوش موفق با واسطه گری اخلاق (صبر) و خودکارآمدی مقابله. پایان نامه دکتری روان شناسی، دانشگاه شیراز.
۲۵. قربانی، رقیه، و. خرمایی، فرهاد (۱۳۹۸). رابطه بین پنج ویژگی بزرگ شخصیتی و فضیلت خرد: نقش واسطه ای صبر. نشریه بهداشت، معنویت و اخلاق پزشکی، ۱۱(۱)، ۱۱-۱۷.
۲۶. کریمیان، محمود (۱۳۹۱). اعتبار و مفهوم سنجی روایات کاستی عقل زنان. نشریه علوم حدیث، ۶۲(۱۶)، ۹۰-۱۱۸.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۲ ه.ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد، و. برنجکار، رضا، و. مسعودی، عبدالهادی، و. مهریزی، مهدی (۱۳۷۸). خردگرایی در قرآن و حدیث. قم: دارالحدیث.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۷). معارف قرآن. قم: مؤسسه در راه حق.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.

۳۲. ملک محمدی، حسین (۱۳۹۳). *بیش‌بینی خرد بر اساس عوامل هوشی، شناختی، تأملی، هیجانی، شخصیتی و خلاقیت*. رساله دکتری روان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبائی.
۳۳. ملک محمدی، حسین، رحمانی شمس، حسن، حشمت، قاسم، و فرامرزی راد، بهروز (۱۳۹۶). بررسی مفهوم خرد در بزرگسالان با استفاده از صفات شخصیتی. *نشریه سومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روان‌شناسی، مشاوره و علوم رفتاری*، ۳(۱۹)، ۲۱-۲۸.
۳۴. مهدی زاده، حسین (۱۳۸۹). *آیین عقل‌ورزی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۳۵. میردریکوندی، رحیم (۱۳۹۵). *عقل‌دینی و هوش روان‌شناختی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۳۶. میردریکوندی، رحیم (۱۳۸۸). *مقایسه هوش، هوش هیجانی و عقل از دیدگاه روان‌شناسی و منابع اسلامی و ساخت مقیاس سنجش عقل*. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی تربیتی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۳۷. نیازکار، فاطمه (۱۳۹۵). *جنسیت و اخلاق در عرصه اجتماع با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی*. پایان‌نامه دکتری الهیات و معارف اسلامی. قم: دانشگاه قرآن و حدیث.
38. Cheraghi, F., Kadivar, P., Ardelt, M., Asgari, A., & Farzad, V. (2015). Gender as a Moderator of the Relation Between Age Cohort and Three-Dimensional Wisdom in Iranian Culture. *The International Journal of Aging and Human Development*, 81, 3-26
39. Costa Jr, P. T., & McCrae, R. R. (2008). *The NEO Inventories*. New York, US: Routledge.
40. Glück, J., König, S., Naschenweng, K., Redzanowski, U., Dörner-Hörig, L., Straßer, I. & Wiedermann, W. (2013). How to measure wisdom: Content, reliability, and validity of five measures. *Frontiers in psychology*, 4, 405- 423.
41. Hao-Bin, C. H. E. N., Wen-Qian, T. A. N. G., & Yu-Fan, C. H. E. N. (2020). *Relationship between College Students' Academic Achievement and Wisdom: The Mediating Role of Openness Personality*. DeStech Transactions on Social Science, Education and Human Science (icesd).
42. Kanwar, M. (2013). Exploring wisdom in relationship with coping styles, social desirability, subjective wellbeing, age and gender. *Indian Journal of Positive Psychology*, 4(2), 227- 241.
43. Law, A. (2018). *Personality Adjustment and Growth as Antecedents and Correlates of Wisdom*. Doctoral dissertation. Information Resource Center der Jacobs University Bremen.
44. Lippa, R. A. (2010). Gender differences in personality and interests: When, where, and why? *Social and personality psychology compass*, 4(11), 1098-1110
45. Maroof, R., Khan, M. J. Z., Anwar, M. & Anwar, A. (2015). A Cross-Sectional Study of Wisdom: A Matter of Age and Gender. *FWU Journal of Social Sciences*, 9(2), 63- 79.
46. McCrae, Robert R., Costa, Jr., & Paul, T. (2006). *Personality in Adoulthood: A Five-Factor Theory Perspective*. New York: The Guilford Press.
47. Moshkani, M., MalekMohammadi, H., & Shirdel, E. (2019). The Wisdom Prediction Based on Personality Factors in Youth. *International Journal of Schooling*, 1(2), 13-22.
48. Singh, U., & Dahiya, S. (2013). Gender differences in wisdom among school students. *Indian Journal of Health and Wellbeing*, 4(8), 1573- 1589.
49. Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2013). *Using Multivariate Statistics*. United States of America: Pearson Education.
50. Weisberg, Y. J., DeYoung, C. G., & Hirsh, J. B. (2011). Gender differences in personality across the ten aspects of the Big Five. *Frontiers in psychology*, 2, 178- 191.